



جاویدنامان ایران

عسل شاکری، ۲۳ ساله، در ۹ ژانویه در تبریز با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی جان باخت. او جوانی غیرمسلح بود که قربانی خشونت سیستماتیک حکومتی شد که سالهاست جان معترضان را بی‌محابا می‌گیرد. عسل پیش‌تر سرطان را شکست داده و برای زندگی جنگیده بود، اما این بار جمهوری اسلامی بود که او را کشت. آنچه رخ می‌دهد یک تراژدی فردی نیست، بلکه قتل‌عامی مستمر علیه نسل جوان ایران است.



زندانیان سیاسی

دکتر آمنه سلیمانی، متخصص پوست در اردبیل، توسط مأموران اطلاعات سپاه پاسداران به‌خاطر درمان مجروحان اعتراضات بازداشت شد. این پزشک تنها به‌خاطر انجام وظیفه حرفه‌ای خود و ارائه مراقبت‌های پزشکی بازداشت شده است و تاکنون هیچ اطلاعی از محل نگهداری، وضعیت جسمی یا حقوقی او در دست نیست. بازداشت یک پزشک به‌خاطر درمان زخمی‌ها نقض جدی اخلاق پزشکی و حقوق بشر است و جمهوری اسلامی ایران مسئول کامل جان و امنیت اوست.



خبر روز

«تأیید هویت دست‌کم ۸۰ دانشجوی کشته شده در جریان اعتراضات اخیر ایران»
بر اساس تحقیقات اختصاصی که برای نخستین بار توسط «خبرنامه امیرکبیر» انجام شده است، هویت دست‌کم ۸۰ دانشجوی جان‌باخته در جریان اعتراضات اخیر ایران تا ساعت ۹ صبح روز پنج‌شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۴ تأیید و شناسایی شده است. بر پایه این داده‌ها، ۷۵ درصد قربانیان مرد و ۲۵ درصد زن بوده‌اند. بیشترین موارد کشتار در شهر تهران ثبت شده است.

فرزندی که دیگر نمی‌بینمش

مادران دادخواه

یکی از روایت‌های تکان‌دهنده مربوط به مادر مبین، جوان جان‌باخته اعتراضات سراسری ۱۴۰۴ است. در ویدیویی که توسط حساب‌های حقوق بشری منتشر شد، مادر داغدار بر پیکر بی‌جان پسرش شیون می‌کند و با حسرت و اندوه عمیق می‌گوید: «مبین جان... مادر بمیرد... من آمدم... من همیشه روت پتو می‌کشیدم، نمی‌ذاشتم یخ بزنی... دیر آمدم مادر... مرا ببخش...» این صحنه نمادی از درد مادرانی شد که فرزندان‌شان را در اعتراضات دی‌ماه از دست دادند. این ویدیو توجه کاربران و فعالان حقوق بشر را جلب کرد و نشان داد که حتی در شرایط سرکوب و قطع اینترنت، مادران سکوت نکرده و فریاد دادخواهی‌شان را بلند می‌کنند. «
یاد مبین قنبری گرامی»



راویان خیابان

خیابان‌های ایران در جریان اعتراضات به جایی تبدیل شدند که کمک‌کردن خود خطر بود؛ نزدیک‌شدن به پیکرها یا یاری‌رساندن به مجروحان می‌توانست به زخمی‌شدن یا مرگ بینجامد. بسیاری انتظار چنین سطحی از خشونت را نداشتند و عقب‌نشینی‌های مقطعی نیروهای سرکوب، همراه با گاز اشک‌آور و ساچمه، به اشتباه نشانه‌ی کاهش فشار تلقی می‌شد.
در دل این خیابان‌ها، حضور کودکان به‌عنوان نشانه‌ای تکان‌دهنده از ماهیت اعتراضات ثبت شد؛ حضوری که نشان می‌داد مردم با تصور امکان بیان مسالمت‌آمیز اعتراض آمده بودند، نه برای رویارویی با خشونت.

